

نگاهی به گذشته در امروز

نوشیروان کیهانی زاده

پایان استقلال کوتاه‌مدت کوشان‌های ایرانی تبار

شاپور یکم شاه ساسانی ایران که به ایران خواری لشکر کشیده بود در آگوست سال ۲۴۸ میلادی پادشاه کوشان‌ها را مغلوب و سلطنت مستقل آنان را منحل و آنجا را مانند سابق تبدیل به حکومت محلی و دست‌نشانده کرد. شاپور پس از این پیروزی کسی را مجازات نکرد و مقامی را تغییر نداد. وی به کوشان‌های ایرانی تبار گفت ایران‌زمین نمی‌تواند شاه مستقل دیگری داشته باشد ولی آنان نیز می‌توانند مانند ارمنیان، شاه داخلی داشته باشند و ریاست این شاه که «پادشاه» خوانده خواهد شد باید قبلاً به تایید تیسفون (پایتخت وقت ایران) برسد. منطقه کوشان می‌تواند در امور داخلی آزاد باشد ولی حق جنگ خارجی و ارتباط مستقیم با دولت‌های بیگانه و عقد قرارداد و سپردن تعهد را ندارد زیرا اگر در جنگ شکست بخورد، همه ایران را «شکست‌خورده» تلقی خواهد شد. باید احساس خطر را قبلاً به ستاد جنگ در تیسفون اطلاع دهد تا ارتش ایران خطر را برطرف سازد نه سپاه محدود کوشان که بیم شکست خوردنش زیاد است. استقلال کوشان‌ها کمتر از دو قرن طول کشیده بود. کوشان‌ها آریایی‌های ایرانی تباری بودند که در تاجیکستان امروز، شمال و شمال شرقی افغانستان فعلی، کشمیر و پنجاب سکونت داشتند و «پشاور» یکی از شهرهای بزرگ آنان بود. کوشان‌ها اوایل هزاره یکم میلادی (اواخر دوران اشکانیان و به ضعف گرایند این دودمان) در منطقه خود دولتی مستقل تشکیل داده بودند.
اعقاب کوشان‌های باستان اینک عمدتاً در دو پنجاب (هند و پاکستان)، کشمیر، دره پنجشیر، نورستان، بدخشان و جمهوری تاجیکستان به سر می‌برند. در قدیم، اشکانیان که از میان مردم خراسان بزرگ تر برخاسته بودند کوشان‌ها را «تخراها» می‌نامیدند که ایالت تخارستان افغانستان از نام آنان گرفته شده است. تاجیکان منطقه، خود را از اعقاب اشکانیان (پارتی = پهلوی = پهلوی) و حتی تخار‌ها (کوشان‌ها) می‌دانند.

سابقه تأسیس خیرگزاری در ایران به مناسبت ۷۴ ساله شدن ایرنا

خیرگزاری پارس (ایرنا) ۱۹ مرداد سال ۱۳۱۳ (سال ۱۹۳۴ و در آن زمان مصادف با ۱۰ آگوست) آغاز به کار کرد تا تصمیمات دولت، مذاکرات و مصوبات مجلس، و فعالیت‌های سازمان‌های دولتی و غیردولتی و افراد را به ایرانیان و سایر ملل گزارش کند و اخبار «مطلق»، موثق و مهم» سایر ملل را برای استفاده ایرانیان به رسانه‌های کشور برساند. شاه وقت پس از دیدار از ترکیه و مشاهده طرز کار خیرگزاری آنتالوی توسط تاسیس یک خیرگزاری مشابه در ایران آرزومند بود و آژانس پارس (ایرنا) که امروز ۷۴ ساله می‌شود پا به عرصه وجود گذاشت. تا سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱)، خیرگزاری پارس آژانس خیری منحصراً به‌وف ایران بود که در بهمن‌ماه این سال خیرگزاری مرکز مازنی رادیو–تلویزیون تاسیس شد که تحت نام واحد مرکزی خبر که به‌نام ادامه می‌شد، باید دانست که عباس مسعودی موسس روزنامه اطلاعات، کار خود را در سال ۱۳۰۴ با ایجاد یک دفتر خبررسانی یک‌نفره به نام مرکز اطلاعات آغاز کرده بود. در سال۱۳۷۹، بدون توجه به محدود بودن مشتری، در کار تأسیس خیرگزاری در ایران از سر گرفته شده و در حقیقت شرکت است و به دلیل وجود اینترنت و تسهیل کار مطلب‌رسانی در هشت سال گذشته در ایران حدود ۲۰ خیرگزاری آغاز به کار کرده است که بی‌شاید به ویلاگ مستقیماً مطلب گرفته شده و به‌نام برساند و یک دستگاه کمکی برای رسانه‌های همگانی به‌شمار می‌رود، معلوم نیست که خیرگزاری‌های غیردولتی موجود (بدون دریافت کمک مالی! که کار روزنامه‌نگاری اصیل نیست) بتوانند درآمد کافی از محل فروش خبر داشته باشند، مگر عموماً که محصول کار آنها مشابه یکدیگر و در نهیجه خبری صاحبان متکی به سازمان‌ها و مقامات دولتی و ترجمه از آژانس‌ها و منابع خارجی موجود در اینترنت هستند که می‌دانم مطالب تبلیغی خاصی با هدف‌های ویژه در اینترنت قرار می‌گیرد و رسانه‌های سایر ملل، به استثنای ایران، همه مطالب نسخه چاپی خود را در اینترنت قرار نمی‌دهند. سال‌هاست که در همه کشورها روزنامه‌ها می‌کوشند به محصول کار خبرنگاران و نویسندگان خود و مطالب اختصاصی متکی باشند زیرا استفاده از گزارش‌های خیرگزاری‌ها باعث مشابهت‌جراید می‌شود و خواننده در انتخاب روزنامه برای خرید، آن‌را نیز تنها از برمی‌گزینند که لطمه‌ی است به کل روزنیالیسم یک کشور.

حقیقتی تلخ؛ اکثریت امریکاییان دوستدار ارتش و جنگند

«جرح مک گاکور» سناتور سابق امریکایی از ایالت داکوتای جنوبی، که در تاریخ، مؤلف چند کتاب و مؤول ۱۹۲۲ با شهرت لیبرال بودن و آزادی طلبی هشتم آگوست ۲۰۰۴ در گزارش مسووری که‌از شبکه تلویزیونی «ای بی سی» پخش شد، علت شکستش در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۷۲ از ریچارد نیکسون را «مخالفت با هرگونه جنگ و از جمله اد‌ه‌جنگ ویتنام» اعلام کرد و گفت این حقیقت تلخ در کتاب تازه‌اش نوشته است. اکثریت یک ملت نباید این چنین، جنگ طلب باشد. مک گاورن گفت: تصور کردم بیشتر هموطنانم طرز فکر خود را دارند و از جنگ بیزارند. حال آنکه در این زمینه، خواست و احساس بیشتر امریکاییان چیز دیگری بود. مک گاورن که در جریان جنگ جهانی دوم مانند سایر امریکاییان جوان به نیروهای مسلح این کشور احضار شده و خلبان یک بمب‌افکن بود و بر سر المانی‌ها بمب فرو افکندند بود گفت که آن جنگ نظر او را تغییر داد است، ولی هموطنانش عقیده دیگری دارند. نیکسون در آن سال اندر زهای کیسینجر را گوش کرد و در جریان تبلیغات انتخاباتی ضدجنگ چیزی نگفت و برنده شد. مک گاورن گفت این تجربه به خود را در کنسوانسیون ۲۰۰۴ حزب دموکرات در بوستون به «جان کری» یادآور شد و به آن گفت که ضد جنگ شعار ندهد که بازنده خواهد بود و توصیه کرد تا می‌تواند درباره تقویت بنیه نظامی داد سخن بدهد و هم دم بگوید امریکا نخستین قدرت بر سطح زمین است زیرا هموطنان تنها همین حرف‌ها را حاضرند بشنوند، چرا؟
مک گاورن گفت: «میلغان حزب مخالف (جمهورخواه) در جریان مبارزات سال ۱۹۷۲ با آن‌ها بستند به گوش امریکاییان خواندند که مک گاورن بیش از حد لیبرال است (در فرهنگ سیاسی امریکا: تمایل به چپ و صلح‌جو) و موفق شدند. وی در انتخابات آن سال بزرگ‌ترین شکست را نصیب حزب دموکرات امریکا کرد زیرا تنها۳۸ درصد آرا به دست آورد.

www.iranians.today.com

به گزارش روابط عمومی موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، این موسسه نشست «جنبش مشروطه و تحولات فکری دوران جدید» را در ادامه نشست‌های علمی و فرهنگی خود، روز یکشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۸۷ در مکان آن موسسه برگزار کرد.

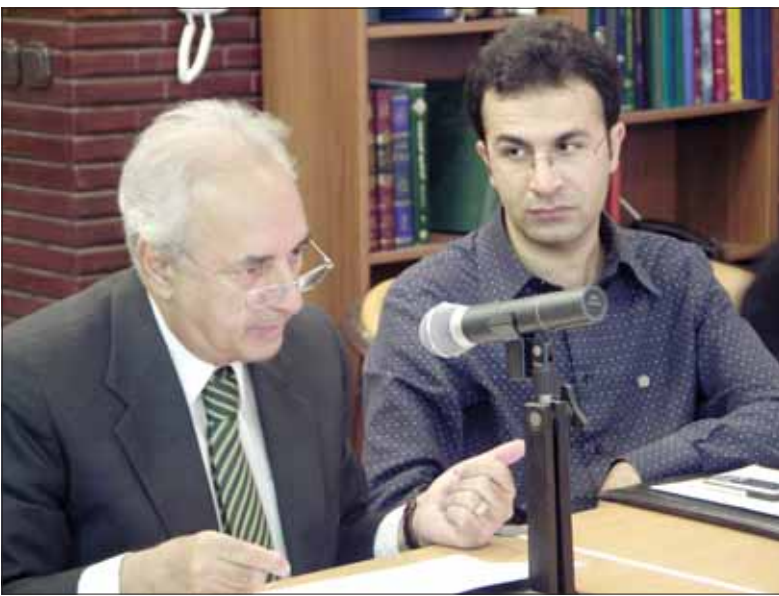
در ابتدای این نشست مدیرعامل موسسه دکتر هادی خانیکی بر لزوم توجه به گفت‌وگوی فرهنگ‌ها تاکید کرد. پس از سخنان وی محمد صادقی، دبیر گروه فرهنگ و اندیشه موسسه، با اشاره به اینکه در بررسی ادبیات مشروطه بدون نگاه تاریخی و نگاه ژرف به وضعیت سیاسی و اجتماعی دوران مشروطه و قبل از آن، نمی‌توان نتیجه‌گیری سودمندی به دست آورد، سخن خود را آغاز کرد. وی در این باره گفت: «زمینه‌ساز آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن نوین غرب به شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و تلاش ناکام عباس میرزا در بازسازی و ایجاد ارتش مدرن بازمی‌گردد. عباس میرزا گروهی از محصلان ایرانی را برای فراگیری دانش جدید به اروپا می‌فرستد که تلاش سودمند بوده است. برای نمونه میرزا صالح شیرازی از اعضای دومین گروه اعزام محصلان ایرانی به اروپاست که چایخانه را در ایران می‌آورد و نخستین روزنامه با عنوان کاغذ اخبار را پدید می‌آورد که البته دو شماره از آن بیشتر منتشر نمی‌شود. «وی درباره اهمیت تأسیس دارالفنون و رونق گرفتن ترجمه آثار غربی در زمینه داستان و نمایشنامه‌نویسی در دوره ناصرالدین شاه هم سخن گفت و سپس با تاکید بر ورود مفاهیم تازه و نو در ادبیات مشروطه و تلاش‌های روشنفکرانی مانند آخوندزاده، ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی و . . . افزود: «داستان‌سازگان فریب‌خورده از فتحملی آخوندزاده نخستین داستان ایرانی از یک نویسنده ایرانی بود که به تعبیری سرنوشت اندوهای مشروطه خوahan و تجددخواهان را بیان می‌کرد و جالب است که فریدون آدمیت هم آخوندزاده را آغازگر فن تئاترنویسی در آسیا می‌خواند. . . . به هر ترتیب، آشنایی با دنیای نو و دگرگونی‌های شگفت‌انگیز کشورهای مدرن توجه اندیشمندان و تجددخواهان ایرانی را به خود جلب کرد تا با ترکش‌ها، آثار غربی و توجه به اندیشه‌های نو و انتشار آن از راه‌های گوناگون مانند کتاب، روزنامه و . . . فصل تازه‌ی را در فضای فکری جامعه ایران رقم زنند و راه را بر تسلسل اندیشه‌های کهنه ببینند و این بی‌تردید کار سترگی بود.» صادق با اشاره به زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات جدید فارسی صفت با کتاب داستان و طرح مشروطه اظهار داشت: «سید محمد علی با سابقه‌یی طولانی که به بیش از هزار سال می‌رسید، به آثار غربی بودجای خود را آسان‌تر باز کرد. شاید به این خاطر از پیشینه‌ی بی‌درایتی برخوردار نبود و اتفاقی تازه به حساب می‌آمد. دوره بازشگشت ادبی هم به تعبیر دکتر شفیعی کدکنی کاریک‌انوری از قلعه‌های فرهنگ، اندیشه و ادب قرون پنجم و ششم ارائه می‌کرد و همین عمارت گویا و کافی است تا آثار دوره را بشناسیم. . . . در ادب مشروطه مفاهیم جدیدی مانند وطن و آزادی و . . . را دربر داشت که معنای آن متعلق به دوران جدید بود و در دنیای قدیم و جهان سنت چندان اثری از این مفاهیم نمی‌توان سراغ گرفت. شعری با درونمایه سیاسی و اجتماعی و شعری انتقادی که به زبان مردم نزدیک بود، در شاعران دوران مشروطه به زبان خود گرایش داشت و البته همین موجب می‌شد از زبان فاخر ادبی گذشتگان فاصله بگیرد. بنابر سخن ویگنشتاین که می‌گوید محدوده زبان من، محدوده جهان من است، زبان جدا از ذهن نیست، زبان تکراری حقیقت از جهان‌بینی تکراری دارد، پس نمی‌تواند تجربه انسان معاصر را بیان کند و تصویر کند و اینجاست که نیاز به زبانی دیگر احساس می‌شود و تلاش برای دست یافتن به آن در همین دوره آغاز می‌شود، دوره‌ی که نسیم تجدد در ایران وزیدن گرفته است. . . . یکی از پرسش‌هایی نیز که از زمان مشروطه تاکنون باقی‌مانده و نباید از آن غفلت کرد، رعیت میان ادبیات و روشنفکران است که با توجه به آلودگی زبان و ادبیات فارسی به ابهام و ابهام و اینکه می‌دانیم زبان روشنفکری باید به دور از ابهام و پیچیده‌گویی باشد، اندیشیدند درباره آن ضروری به نظر می‌آید.» صادق، پایان سخنانش خود با اشاره به مشاخره‌های قتی رفعت و ملک‌الشعرای بهار در سال‌های آخر قرن گذشته و جدال میان قدیم و جدید، نوپردازان و ستروگانیان گفت: «انتشار شعر نیمه‌دار در سال ۱۳۰۱ در مجله قرن بیستم که متعلق به میرزاده عشقی بود گام نو و حرکت مؤثری بود تا ادماه‌ی افزود: «نخستین ورزآینه‌های سبک غربی در دوران فتحعلیشاه قاجار تشکیل شد و نخستین دانشجویان به خارج اعزام شدند. تماس‌ها و ملاقات‌ها مکرر ولبعهد و نایب‌السلطنه ایران عباس میرزا با سرداران روس و احساس و لمس تفاوت‌های فرهنگی و فنی او را به‌برنامه‌ریزی در تجددخواهی تشویق کرد. پس از قرارداد ترکمانچای، هنگامی که خشم و تحقیر فروخورد و ایرانیان از رفتار متکبرانه و پرنخوت گریبایدوف شاهزاده و شاعر نامدار روس و سفیر آن کشور در تهران فروان کرد و طومار عمر سفیر بی احتیاط را در هم پیچید، شاهزاده عباس میرزا شد و در واپسین سال عمر دیدگر رمقی برای رویارویی دوباره با روس‌ها برایش باقی نمانده بود، حتی بی‌درنگ فرزند برسرهمند خود خسرو میرزا را برای پرورش خواهی به همراه میرزا تقی خان امیرنظام، «پنل بعدی، به اسم پرتزبورگ یا به قول عامیانه ایرانی «پنل پورت» اعزام داشت. همین دیدار و آشنایی که از سویی موجب میل کشیدن بر دیدگان خسرو میرزای برومند توسط بردارش محمد شاه نه چندان بررومند شد، از سویی دیگر آتش اشتیاق ترقی را در دل امیر کبیر زنده کرد و بارقه‌ی از آن را نزد شاگردش ناصرالدین شاه به ودیعه گذاشت. همین آتش بود که به محض دستیابی استاد و شاگرد به سلطنت و وزارت، آنان را همچون میجی احصلاگر ژاپنی بر آن داشت که نخست دارالفنونی برپا کنند و سپس به اصلاحات نظامی و اداری دست زنند. و این برنامه در همان مدت کوتاه حکومت امیرنظام در پس از آن نیز لنگ‌اندازانگام نهاد.»

ناصرالدین شاه دیدنی است. « فریدون مجلسی مترجم و پژوهشگر نام‌آشنا سخنرانی خود را آغاز کرد: «غربی‌ها که عموماً لگام و مهار فریب‌نازده و علمی و از جمله تاریخی جدیدی از فرهنگ‌ها دارند، یعنی همه تحولات این مقولات را از زاویه غربی خود می‌بینند و ما را نیز وادار می‌کنند که از همان قاعده ظاهرآ بین‌المللی پیروی کنیم، از همان دیدگاه، تاریخ تحولات جهان را به دوران‌هایی تقسیم می‌کنند. این تقسیم‌بندی به دلیل نزدیکی جغرافیایی و تا حدی فرهنگی ما به جهان غرب برای ما چندان غریب و بی‌ربط نمی‌نماید، اما هرچه بیشتر به سوی شرق رویم برای آنان بی‌ربط‌تر می‌شود. باری در این تقسیم‌بندی کلی پدیداری مکتب آتن و فیلسوفان و دانشمندانی چون سقراط، افلاطون، ارسطو، دیمکریتوس، دیوژنوس، اقلیدس، ارسطیدیس، جالینوس، بقراط، فیثاغورث و بطلمیوس که آغاز آن از شش قرن پیش از میلاد مسیح بوده است تا برسد به کسانی چون لیبانیوس و پرسیکوس در قرن چهارم میلادی را عصر طلایی فلسف می‌نامند که گویی تاریخ کشور با آن آغاز شده باشد. یک از تشکیل دولتی کردن آکادمی که آغاز قرون وسطی است، و سر انجام دوره کسانای جوان یا میلیکیوس و دامسکوس در قرن ششم است که حدود سال ۵۲۹ میلادی، یعنی در اوایل حکومت امپراتور یوستینیان قانونگذار و قانون‌شکن بزرگ بیزانس و در واپسین ایام حکومت قباد ساسانی حاکم صادر و

گزارشی از نشست موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

جنبش مشروطه و تحولات فکری دوران جدید

اسماعیل یزدان‌پور



دکتر فریدون مجلسی

تعطیلی آکادمی آتن را اعلام کرد که می‌دانیم منجر به گریز بازمانده استادان پاکسازی شده به دربار انوشیروان و اعزام آنان به گندی شاپور شد و پنج سالی را در آنجا به تدریس و مقدمات ندادند و دانشمند معتبری مانند فریدون آدمیت را کار پرداختند. فرنگیان آن روز سیاه‌را به‌درستی سراغ‌آغاز عصر تاریکی با مرحله دوم قرون وسطی می‌نامند. عصر جدید نیز از فتح قسطنطنیه در ۱۴۵۲ میلادی آغاز می‌شود و به دوران تاریکی که از همان شهر آغاز شده بود، پایان می‌دهد، در این دوران، در قرن ۱۶، با اصلاحات مذهبی پرتستانیسم مارتین لوتر و کالون، دوران نوزایی بازناسن اروپا نضج می‌گیرد، تا قرن هجدهم که همت روشنگرانه نظریه‌پردازانی چون جان لاک، مونتسکیو، ژان ژاک روسو، دیدرو و دیگران، در امریکا در سال ۱۷۷۶ و در انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ به بار می‌نشیند و عصر تجدد آغاز می‌شود. مقصود از این یادآوری تاریخ‌ها و وقایع تاریخ‌ساز که بیشتر به آنان (غربی‌ها) مربوط می‌شود و فقط ترکش‌های ما هم می‌رسد، مقایسه‌یی بود با تاریخ‌های مشابه و فرضی که ممکن است ما در تحول‌های خود قائل شویم. در واقع دوران کلاسیک ما را تاریخ پیش از اسلام تشکیل می‌دهد که خود به مراحل هخامنشی و پیش از آن، اسکندر و ساسانیانیش و دوران پس از سلوکی‌ها با یعنی اشکانی و ساسانی تقسیم می‌شود. دوران پس از اسلام نیز با تجدید حیات ملی در خراسان و سیستان شکل می‌گیرد، سپس نوبت به دوران مغول‌زدگی می‌رسد که با دولت دینی عصر صفوی به نوعی تثبیت می‌شود و باز، در پایان کار به نوعی نرسافتی میرسد فرصت بروز می‌دهد. این دوران با ضربه‌یی هولناک و بی‌برابر ایران را با کالبدی بی‌رمق و لنگ‌لنگان به عرصه عصر جدید جهانی تحویل می‌دهد. سال ۱۷۲۴ میلادی برای ایرانیان سالی تلخ و خاطره‌ی ناگوار است. در این سال صفوی که لیاقت و روادری لازم برای حکومت بر یک امپراتوری کشورالممله از دست داده و بهر‌وندان را در دم تعصبات مالخیولیایی و تنگ‌نظرانه وضعیتی تکوارانه انگاری اسیر کرده بود، با

لحاجت‌سردار گرجی

مسیحی را به حکومت و آزار سنیان متعصب و طالبانه‌گونه ایالت قندهار گمارد و در برابر تحریک خشم معترضانه مثنی روستایی جاهل‌تر و بی‌فرهنگ‌تر از خود، و حیثیت ایران‌زمین را تسلیم کرد و نام ننگین شاه سلطان حسین را به صورت ششامی به معنی بی‌لیاقتی و فرومایگی به قاموس با واژگان فرهنگ و ادب ایران وارد کرد. از آن

آخر قرن گذشته و جدال میان قدیم و جدید، نوپردازان و ستروگانیان گفت: «انتشار شعر نیمه‌دار در سال ۱۳۰۱ در مجله قرن بیستم که متعلق به میرزاده عشقی بود گام نو و حرکت مؤثری بود تا ادماه‌ی افزود: «نخستین ورزآینه‌های سبک غربی در دوران فتحعلیشاه قاجار تشکیل شد و نخستین دانشجویان به خارج اعزام شدند. تماس‌ها و ملاقات‌ها مکرر ولبعهد و نایب‌السلطنه ایران عباس میرزا با سرداران روس و احساس و لمس تفاوت‌های فرهنگی و فنی او را به‌برنامه‌ریزی در تجددخواهی تشویق کرد. پس از قرارداد ترکمانچای، هنگامی که خشم و تحقیر فروخورد و ایرانیان از رفتار متکبرانه و پرنخوت گریبایدوف شاهزاده و شاعر نامدار روس و سفیر آن کشور در تهران فروان کرد و طومار عمر سفیر بی احتیاط را در هم پیچید، شاهزاده عباس میرزا شد و در واپسین سال عمر دیدگر رمقی برای رویارویی دوباره با روس‌ها برایش باقی نمانده بود، حتی بی‌درنگ فرزند برسرهمند خود خسرو میرزا را برای پرورش خواهی به همراه میرزا تقی خان امیرنظام، «پنل بعدی، به اسم پرتزبورگ یا به قول عامیانه ایرانی «پنل پورت» اعزام داشت. همین دیدار و آشنایی که از سویی موجب میل کشیدن بر دیدگان خسرو میرزای برومند توسط بردارش محمد شاه نه چندان بررومند شد، از سویی دیگر آتش اشتیاق ترقی را در دل امیر کبیر زنده کرد و بارقه‌ی از آن را نزد شاگردش ناصرالدین شاه به ودیعه گذاشت. همین آتش بود که به محض دستیابی استاد و شاگرد به سلطنت و وزارت، آنان را همچون میجی احصلاگر ژاپنی بر آن داشت که نخست دارالفنونی برپا کنند و سپس به اصلاحات نظامی و اداری دست زنند. و این برنامه در همان مدت کوتاه حکومت امیرنظام در پس از آن نیز لنگ‌اندازانگام نهاد.»

ناصرالدین شاه دیدنی است. « فریدون مجلسی مترجم و پژوهشگر نام‌آشنا سخنرانی خود را آغاز کرد: «غربی‌ها که عموماً لگام و مهار فریب‌نازده و علمی و از جمله تاریخی جدیدی از فرهنگ‌ها دارند، یعنی همه تحولات این مقولات را از زاویه غربی خود می‌بینند و ما را نیز وادار می‌کنند که از همان قاعده ظاهرآ بین‌المللی پیروی کنیم، از همان دیدگاه، تاریخ تحولات جهان را به دوران‌هایی تقسیم می‌کنند. این تقسیم‌بندی به دلیل نزدیکی جغرافیایی و تا حدی فرهنگی ما به جهان غرب برای ما چندان غریب و بی‌ربط نمی‌نماید، اما هرچه بیشتر به سوی شرق رویم برای آنان بی‌ربط‌تر می‌شود. باری در این تقسیم‌بندی کلی پدیداری مکتب آتن و فیلسوفان و دانشمندانی چون سقراط، افلاطون، ارسطو، دیمکریتوس، دیوژنوس، اقلیدس، ارسطیدیس، جالینوس، بقراط، فیثاغورث و بطلمیوس که آغاز آن از شش قرن پیش از میلاد مسیح بوده است تا برسد به کسانی چون لیبانیوس و پرسیکوس در قرن چهارم میلادی را عصر طلایی فلسف می‌نامند که گویی تاریخ کشور با آن آغاز شده باشد. یک از تشکیل دولتی کردن آکادمی که آغاز قرون وسطی است، و سر انجام دوره کسانای جوان یا میلیکیوس و دامسکوس در قرن ششم است که حدود سال ۵۲۹ میلادی، یعنی در اوایل حکومت امپراتور یوستینیان قانونگذار و قانون‌شکن بزرگ بیزانس و در واپسین ایام حکومت قباد ساسانی حاکم صادر و

گزارشی از نشست موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

جنبش مشروطه و تحولات فکری دوران جدید

پروین اعتصامی و بهار و دهخدا و دیگران راهگشای بزرگان سدشکنی چون نیما، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث، سایه، فریدون مشیری، احمد شاملو، شهریار، امیری فیروزکوهی، سهراب سپهری و دیگرانی شدند که با پشت محکم «از خون جوانان وطن لاله دمیده، و ز قامت سرو قدشان سر و خمیده» و با سردادن «تاله مرغ سحر» پرچمدار آن نهضت بوده‌اند. درباره تحول نگارش فارسی، پس از مشروطه نکته مهمی که نباید از آن غافل ماند، و نه فقط بر آیین نگارش بلکه بر شیوه‌های تفکر و انشای فارسی اثر گذاشته است، نقش مترجمان قوی‌دستی بوده است که نخست ایراد بزرگی در نگارش فارسی را برطرف کردند. آنان بودند که نقطه گذراری را به نثر فارسی آوردند. پیش از آن کتاب‌های ما از جایی آغاز می‌شد و یک نفس تا پایان ادامه می‌یافت. مترجمان با الهام از عیون مبریزا در بازسازی و ایجاد ارتش مدرن جمله، ویرگول، نقطه ویرگول، علامت نقل قول مستقیم، علامت تعجب، دو نقطه علامت ارجاع به متن یا عبارت شخص ثالث، پرانتز برای جمله متعربه یا توضیح، کروشه «کولاده، تیره کومه»، یک با دو تیره بلند، سیاه کردن بی بولد کردن واژه یا جمله، آیین نگارش بانوش‌ها، عبارات ایتالیک (ایرانی)، و نظایر آن که غالباً هنوز هم اسم فارسی ندارند، در تکمیل نگارش و انتقال اثر گذاری‌های مورد نظر نویسنده اقدام کردند. آنان عبارات و حتی اصطلاحاتی را با نقل از زبان‌های خارجی، خصوصاً از فرانسه و انگلیسی وارد فارسی کردند. . . . اکنون بازگردیم به جنبش مشروطه: نویسنده مقدمات ندادند و دانشمند معتبری مانند فریدون آدمیت را کار پرداختند. فرنگیان آن روز سیاه‌را به‌درستی سراغ‌آغاز عصر تاریکی با مرحله دوم قرون وسطی می‌نامند. عصر جدید نیز از فتح قسطنطنیه در ۱۴۵۲ میلادی آغاز می‌شود و به دوران تاریکی که از همان شهر آغاز شده بود، پایان می‌دهد، در این دوران، در قرن ۱۶، با اصلاحات مذهبی پرتستانیسم مارتین لوتر و کالون، دوران نوزایی بازناسن اروپا نضج می‌گیرد، تا قرن هجدهم که همت روشنگرانه نظریه‌پردازانی چون جان لاک، مونتسکیو، ژان ژاک روسو، دیدرو و دیگران، در امریکا در سال ۱۷۷۶ و در انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ به بار می‌نشیند و عصر تجدد آغاز می‌شود. مقصود از این یادآوری تاریخ‌ها و وقایع تاریخ‌ساز که بیشتر به آنان (غربی‌ها) مربوط می‌شود و فقط ترکش‌های ما هم می‌رسد، مقایسه‌یی بود با تاریخ‌های مشابه و فرضی که ممکن است ما در تحول‌های خود قائل شویم. در واقع دوران کلاسیک ما را تاریخ پیش از اسلام تشکیل می‌دهد که خود به مراحل هخامنشی و پیش از آن، اسکندر و ساسانیانیش و دوران پس از سلوکی‌ها با یعنی اشکانی و ساسانی تقسیم می‌شود. دوران پس از اسلام نیز با تجدید حیات ملی در خراسان و سیستان شکل می‌گیرد، سپس نوبت به دوران مغول‌زدگی می‌رسد که با دولت دینی عصر صفوی به نوعی تثبیت می‌شود و باز، در پایان کار به نوعی نرسافتی میرسد فرصت بروز می‌دهد. این دوران با ضربه‌یی هولناک و بی‌برابر ایران را با کالبدی بی‌رمق و لنگ‌لنگان به عرصه عصر جدید جهانی تحویل می‌دهد. سال ۱۷۲۴ میلادی برای ایرانیان سالی تلخ و خاطره‌ی ناگوار است. در این سال صفوی که لیاقت و روادری لازم برای حکومت بر یک امپراتوری کشورالممله از دست داده و بهر‌وندان را در دم تعصبات مالخیولیایی و تنگ‌نظرانه وضعیتی تکوارانه انگاری اسیر کرده بود، با

سیر عرفان در ایران که در صغری و کبرای آن آمده خوانندگان بسیاری را نیز به خود جلب کرده است، در حالی که به نظر اینجانب نتیجه‌گیری آن ربطی منطقی و عملی به آن مقدمات ندادند و دانشمند معتبری مانند فریدون آدمیت را کار پرداختند. فرنگیان آن روز سیاه‌را به‌درستی سراغ‌آغاز عصر تاریکی با مرحله دوم قرون وسطی می‌نامند. عصر جدید نیز از فتح قسطنطنیه در ۱۴۵۲ میلادی آغاز می‌شود و به دوران تاریکی که از همان شهر آغاز شده بود، پایان می‌دهد، در این دوران، در قرن ۱۶، با اصلاحات مذهبی پرتستانیسم مارتین لوتر و کالون، دوران نوزایی بازناسن اروپا نضج می‌گیرد، تا قرن هجدهم که همت روشنگرانه نظریه‌پردازانی چون جان لاک، مونتسکیو، ژان ژاک روسو، دیدرو و دیگران، در امریکا در سال ۱۷۷۶ و در انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ به بار می‌نشیند و عصر تجدد آغاز می‌شود. مقصود از این یادآوری تاریخ‌ها و وقایع تاریخ‌ساز که بیشتر به آنان (غربی‌ها) مربوط می‌شود و فقط ترکش‌های ما هم می‌رسد، مقایسه‌یی بود با تاریخ‌های مشابه و فرضی که ممکن است ما در تحول‌های خود قائل شویم. در واقع دوران کلاسیک ما را تاریخ پیش از اسلام تشکیل می‌دهد که خود به مراحل هخامنشی و پیش از آن، اسکندر و ساسانیانیش و دوران پس از سلوکی‌ها با یعنی اشکانی و ساسانی تقسیم می‌شود. دوران پس از اسلام نیز با تجدید حیات ملی در خراسان و سیستان شکل می‌گیرد، سپس نوبت به دوران مغول‌زدگی می‌رسد که با دولت دینی عصر صفوی به نوعی تثبیت می‌شود و باز، در پایان کار به نوعی نرسافتی میرسد فرصت بروز می‌دهد. این دوران با ضربه‌یی هولناک و بی‌برابر ایران را با کالبدی بی‌رمق و لنگ‌لنگان به عرصه عصر جدید جهانی تحویل می‌دهد. سال ۱۷۲۴ میلادی برای ایرانیان سالی تلخ و خاطره‌ی ناگوار است. در این سال صفوی که لیاقت و روادری لازم برای حکومت بر یک امپراتوری کشورالممله از دست داده و بهر‌وندان را در دم تعصبات مالخیولیایی و تنگ‌نظرانه وضعیتی تکوارانه انگاری اسیر کرده بود، با

سیاسی دست یافت و بدون بمب به قدرتی جهانی و احترام‌برانگیز بدل شد و رقیب‌شان اکنون آن بمب را دارد و دیگر هیچ! اشتراک پیشینه فرهنگی و تاریخی و حتی خونی مردم کره چه نقش و تأثیری در لیاقت‌های ملت تفکیک شده دارد که اکنون از دو نوع نظام حکومتی کاملاً متفاوت رنج می‌برد یا برخوردارند؟ «این جنبش مشروطه نبود که ادبیات ایران را متحول کرد، بلکه ادبیات نیز به موازات و در کنار همان تحولاتی که به جنبش مشروطه منجر شد، سیر تکامل و تحول خود می‌ی‌پسند.

نگارش فارسی برای بازایی خود‌ناچار بود نخست به هزار سال پیش بازگردد، تا اگرک تصنع و انحطاط ادبی مغولی و صفوی را از خود بزاید و سپس راه انطباق خود را با جهان مدرن در پیش بگیرد. یک بار در سخنرانی دیگری یکی از کتاب‌های خطی بسیار نزدیک به دوره مرحوم علامه ملا محمدباقر مجلسی را همراهِ بزمه بود که فقط خواندن صفحات مقدمه آن تا تحول ادبی عصر قاجار آن را برمنی‌تاید. . . . باری مکاتبات غالباً اداری میرزا تقی‌خان امیرکبیر و دیگر آثار عصر ناصری نشانگر همین پیرایش ساده‌نویسی فرآینده‌اند. به عنوان نمونه‌یی بسیار مفصل و خوب از نگارش اداری– ادبی پیراسته، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه مقدم قابل ذکر است. از آن دیدگر آمیز آن دوره کتاب حاجی بابای اسفهانی اثر کلاسیک جدیدی موریه و به ترجمه فارسی آن وسیله میرزا حبیب اسفهانی است که به نوبه خود یک شاهکار ادبی جدید زبان فارسی تلقی می‌شود. وقتی متن اصلی موریه چاپ مجموعه کلاسیک‌های دانشگاه اسفندار خواندم از اینکه چگونه ممکن است یک رویایی تا این اندازه در قالب فرهنگ شرقی فرقه و با مهارت کامل از چنان شیوه‌یی تقلید کرده باشد، خصوصاً در جاهایی که هزار و یک شب گونه داستان در داستان آورده است، از طبیعی و یکدست بودن ترجمه میرزا حبیب نیز شگفت شدم که آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و تقلید قرار گرفته است. آجدوانی در مشروطه ایرانی در اهمیت کار میرزا ملکم خان تردید و شک نیست که به‌آیا به‌راستی این میرزا حبیب بوده که کتاب نوشته‌اند یا آن‌ها که از انگلیسی ترجمه کرده است. برعکس؟ نوشته‌های میرزا ملکم خان و آخوندزاده و نشریات فارسی استانبول و برلین، نه تنها در جنبش مشروطه نخبگان ایرانی بسیار مؤثر بوده، بلکه در اصلاح و نزدیک شدن نثر فارسی به نثر ساده و متین امروزی تأثیر مستقیم گذاشته و مورد پیروی و